



دستور زبان لری

گیش لری بالاگریوه

(ساخت واژه، الگوهای نحوی و فرایندهای واجی)

نویسندگان:

فرامرز محمدی

سیما محمدی، احسان محمدی، عابد محمدی

سرشناسه: محمدی، فرامرز، ۱۳۳۸-

عنوان و نام پدیدآور: دستور زبان لری: گویش لری بالاکریوه (ساخت واژه، الگوهای نحوی و فرایندهای واجی)/

نویسندگان: فرامرز محمدی، سیما محمدی، احسان محمدی، عابد محمدی.

مشخصات نشر: خرم آباد: اردیبهشت جانان، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۳۴۸ ص.: جدول.

شابک: ۱-۸۲-۷۸۲۲-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: لری -- دستور

Lori dialect -- Grammar موضوع:

موضوع: ایلات و عشایر -- ایران -- بالاکریوه

Nomads -- Iran -- Balageriveh موضوع:

شناخته اف: ه: محمدی، سیما، ۱۳۶۱.

شناخته افزوده: محمدی، احسان، ۱۳۶۳.

شناسه افزوده: محمدی، عابد، ۱۳۶۱.

رده بندی کتره: PIR ۱۳۶۴

رده بندی دیویی: ۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۰۷۵۰



دستور زبان لری / فرامرز محمدی - سیما محمدی - احسان محمدی - عابد محمدی

ناشر: اردیبهشت جانان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه - نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۸

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۲۲-۸۲-

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

نشانی انتشارات: خرم آباد - خیابان انقلاب - ابتدای خیابان ناصر خسرو - تلفکس: ۰۶۶-۳۳۲۳۵۵۳۴ - همراه:

۰۹۱۶۸۵۰۷۶۵۲

Email: ordibeheshi.janan@yahoo.com

۷	سپاس
۸	سخنی با خوانندگان
۱۷	پیش گفتار
۲۵	جدول واژه‌ها و واجگونه‌های گونه بالاگریوه
۲۵	جدول نمادها و مشخصات آوایی واژه‌ها در گویش لری بالاگریوه
	فصل اول:
۲۷	شناخت قوم لری
۲۸	واژه‌ی لری
۳۳	محدوده جغرافیایی قوم لری
۳۶	شهرهای مهم مناطق نشین
۳۹	ریشه شناسی چند واژه کهن
۴۵	تحریف و تعریب این واژه‌ها
۴۶	شناخت بالاگریوه
۴۶	جغرافیای منطقه بالاگریوه
۴۸	ایلات و طوایف بالاگریوه
۵۳	زبان لری
۵۶	لری، زبان است یا گونه، گویش و یا لهجه؟
۵۷	تنوع گویش‌های زبان لری
۵۸	۱- گویش‌های لری بزرگ
۵۹	۲- گویش‌های لری کوچک (لرستان)
۶۰	گویش لری بالاگریوه
۶۱	نمودار زبان لری (تقسیم‌بندی گویشوران به لری کوچک و لری بزرگ)
۶۳	ویژگی‌های مشترک در تنوع گویش‌های زبان لری
۶۳	پیوستگی گویش‌های لری و پیوند زبان لری با زبان‌های باستان
۶۶	نمونه‌ای از واژگان مشترک پهلوی با واژگان گونه‌های لری
۶۶	بررسی چند وند و تکواژ در گویش‌های مختلف زبان لری

فصل دوم:

۶۸	مطالعات ساختوازی زبان فارسی
۶۸	تعریف مفاهیم ساختوازی
۸۰	نمونه‌ای از پرکاربردترین تکواژهای واژه ساز (اشتقاقی) در گویش بالاگریوه
۸۰	نمونه‌ای از ساختواژه‌های ساده، مشتق، مرکب و مشتق مرکب گویش بالاگریوه
۸۶	فرایندهای واجی گویش بالاگریوه
۹۴	وام گیری
۹۶	فهرست واژگان عربی و ترکی و مغولی، دخیل در گویش بالاگریوه
۱۰۱	دگرگونی واژگان
۱۰۱	پیوستگی زبان لری با فارسی باستان
۱۰۳	پیوستگی زبان پهلوی با گویش لری بالاگریوه‌ای
۱۰۳	جدان تطبیقی واژگان زبان پهلوی با گویش لری بالاگریوه

فصل سوم:

۱۱۰	دستور زبان
۱۱۳	دستور زبان گویش بالاگریوه از واج تا جمله
۱۲۸	ضمیر
۱۳۱	صفت
۱۳۹	صفات از نظر ساختمان وارز
۱۴۳	قید
۱۴۹	حرف
۱۵۴	اصوات (شبه جمله)
۱۵۵	نام آوا
۱۵۷	وندها
۱۶۱	پسوندد
۱۷۵	فعل
۱۷۷	تحلیل پیکره‌ی زبانی
۱۸۷	پیشوندهای فعلی
۱۸۸	پسوندهای فعلی
۱۸۹	زمان، وجه، نمود
۱۹۱	صورت‌های فعل
۱۹۳	افعال باقاعده و افعال بی‌قاعده
۱۹۴	زمان

۲۰۴	فعل امر
۲۰۵	فعل نهی
۲۰۶	تقسیم‌بندی افعال از نظر ساخت اشتقاقی
۲۰۹	عبارت‌های فعلی
۲۱۰	فعل گذرا و ناگذر
۲۱۰	فعل‌های لازم یک شخصه
۲۱۲	صفت مفعولی
۲۱۲	مجهول: افعال مجهول
۲۱۴	ساخت‌های سببی
۲۱۵	افعال معین
۲۲۰	افعال وجهی
۲۲۳	خلاصه‌ای از قواعد دستور زبان گویش بالاگریوه و تطبیق آن با فعل فارسی و خرم‌آبادی
۲۲۵	گذشته اسمرار
۲۲۵	گذشته التزامی
۲۲۶	گذشته‌ی نقلی مستمر
۲۲۷	گذشته‌ی دور (ماضی بعید)
۲۲۸	گذشته‌ی ملموس
۲۲۸	مضارع اخباری
۲۲۹	مضارع ملموس
۲۲۹	آینده
۲۳۳	الگوهای نحوی در گویش بالاگریوه
۲۳۳	ساختمان گروه
۲۳۶	تحلیل نحوی شعر لری
۲۳۸	نتایج فصل‌های ساختواژه و فعل
۲۴۲	پیشنهاده‌ها
۲۴۳	منابع

«من خویش را به بلوط پیر اصالت گره زده‌ام. تاریخ را با تمام لهجه‌هایش خوانده‌ام. اما هیچ وقت ایلم را از یاد نبرده‌ام. چرا که درخت بی‌ریشه همه‌ای بیش نیست.»
«حسین پناهی»

نقش زبان در ماندگاری هویت قومی و ملی

زبان آن‌چنان در تاروپود زندگی اجتماعی ما تنیده شده است که ما وجود آن را حس نمی‌کنیم و آن را در زندگی روزمره‌ی خود به‌عنوان امری بدیهی و عادی فرض می‌کنیم. همواره بسیاری از رفتارهای عادی روزانه (خوردن و آشامیدن و خوابیدن و غیره).^۱ شاید هرگز به نبودن آن نیندیشیده‌ایم که اگر زمانی این پدیده که تاریخ پیدایش آن را حدود بانصد سال تا یک میلیون سال حدس می‌زنند و در زندگی امروزه بشر نقشی حیاتی و بدون چرک و بکری دارد، از جامعه انسانی گرفته شود، سرنوشت انسان‌ها چگونه خواهد شد؟ انسان‌هایی که تکامل اجتماع خود را به وسیله‌ی زبان به دست آورده‌اند و این روند تکامل اجتماعی را، طریقه حل مشکلات و بسیار طولانی، پیموده تا به شکل کنونی به دست بشر امروز افتاده است.

کشف نام و سخنگویی، مهم‌ترین دست‌آورد بشر است، پس از این بود که انسان دریافت چه امکانات وسیعی را در اختیار دارد و به چه نعمت بزرگی رسیده است. همکاری و ارتباط انسان‌ها با همدیگر تنها در سایه کلمه و کلام امکان پذیر و آسان‌تر شده است و شاید بتوان گفت علت به وجو آمدن زبان، این بوده است که انسان‌ها برای بقای خود نیاز به میزان وسیع‌تری از حس همکاری با یکدیگر داشته‌اند. «پیدایش انسان و فرهنگ بشری مرهون زبان و اندیشه است».^۲

۱- مسائل زبان‌شناسی نوین، محمدرضا باطنی، نشر نگاه، ۱۳۷۰، ص ۱۲.

۲- زبان‌شناسی همگان، جین استون، ترجمه حسین وثوقی، نشر کتاب سرا، ۱۳۶۳، ص ۲۲.

اگر زبان و اندیشه نبود انسان، تفاوت چندانی با جانوران نداشت و هرگز به مرحله رشد و تکامل مادی و معنوی کنونی نمی‌رسید. در ادیان الهی و اسطوره‌ها، به اهمیت زبان چنین اشاره شده است. در سوره بقره آیه ۳۳ قرآن کریم، هنگامی که فرشتگان به آفرینش آدم اعتراض می‌کنند، خداوند از آنان می‌خواهد که «اسماء» را بیان کنند اما با ناتوانی پاسخ می‌دهند «لَا عَلَمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا» آنگاه خداوند خطاب به آدم (ع) می‌فرماید: «إِنَّا نَزَّلْنَاهُ بِلِسَانٍ هِمْ» و آدم از نام‌ها خبر می‌دهد تا فرشتگان به برتری و برگزیدگی وی اقرار می‌کنند و به حق سجده نمایند. و همچنین در آیه شریفه «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» سوگند خوردن خداوند به قلم و آنچه می‌نویسد اهمیت زبان و قلم و نوشتن را بیشتر جلوه گر می‌نماید. البته در کتاب‌های مقدس تورات و انجیل نیز به اهمیت آن توجه گردیده است. در کتاب یوحنا باب اول آیه ۱ و ۲ و کتاب مقدس عهد عتیق راجد، نیز به این موضوع پرداخته شده است.

بدون شک همه می‌دانند که فقدان زبان در یک اجتماع انسانی، چرخ زندگی آن جامعه از حرکت باز خواهد ایستاد و حتی افراد قادر به ایجاد ارتباط با همدیگر نمی‌باشند شیرازه‌ی آن جامعه از هم گسیخته خواهد شد، نظم اجتماعی جهان که مرهون زبان است از هم پاشیده می‌شود و به دنبال آن تمامی دست‌رسمی‌های ادی و معنوی بشر در حال و گذشته که تمدن و فرهنگ بشر است نابود می‌گردد و دیگر چیزی به نام علم و فناوری و فرهنگ و غیره وجود نخواهد داشت. در نتیجه انسان‌ها ناخواسته به روند گذشته‌ی گذشتگان خود یعنی زندگی انسان‌هایی که در میلیون‌ها سال پیش زندگی می‌کرده‌اند، در آن زمانی که بشر هنوز از نعمت پدیده زبان بی‌بهره بوده است بازخواهند گشت.

زبان و هویت قومی و ملی

«زبان آینه فرهنگ مردمی است که با آن سخن می‌گویند»^۱.

«قومیت مفهومی است، ناظر بر همبستگی گروه و یا واحدهای نسبتاً پایدار از اشکال جوامع بشری که همچون حدفاصلی میان جوامع ایلی (با همبستگی تباری، خونی و اسطوره‌ای و زبانی) و جوامع ملی (با همبستگی اقتصادی، سیاسی و شهروندی و حقوقی) قرار می‌گیرد. همبستگی

۱- مسائل زبان شناسی نوین، محمدرضا باطنی، نشر نگاه، ۱۳۷۰، ص ۱۶.

قومی ناظر به سرزمین معین و فرهنگ (دین، زبان و آداب و رسوم) مشخصی است که در طول زمان به وجود آمده و تحول می‌یابد.^۱

هویت ملی امروزه اصطلاحی متعلق به فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است؛ و از لحاظ لغوی در زبان‌های لاتین از ریشه (زاده شدن)، (خویشاوندی داشتن و هم تباری) می‌آید. اصطلاح ملی، نظیر ملیت، مفهومی است که عمری حدود دویست ساله در دنیا دارد و معطوف به مفهوم ملت در معنی اقتصادی، اجتماعی و حقوقی، سیاسی (فرا دینی و فرا ایلی) است.^۲ هویت ملی برخلاف هویت قومی و یا هویت ایلی، وابسته به مقوله دین و یا زبان و تبار و اسطوره به تنهایی نیست، هرچند مجموع این مقوله‌ها هویت ملی را به وجود می‌آورد، اما با تعدل با تغییر آن‌ها بنا به منافع ملی باز، پابرجا می‌ماند زیرا هویت ملی ماورای این مقوله‌هاست. در صورتی که هویت قومی این توانایی را ندارد.

بنابراین، «تجربۀ موجب شناسایی فرد، ایل، قوم یا ملتی می‌شود هویت نامیده می‌شود. نیز آنچه در میار تخیالات باشد، اند خود را عرضه کرده، باقی‌مانده و ثبات نسبی خود را حفظ نماید هویت نامیده می‌شود».^۳

با کمی دقت به نقش زبان در زندگی انسان این حقیقت آشکار می‌شود که برخورداری از زبان لازمه ماهیت و هویت انسان است و نمی‌توان تصویری از انسان بدون زبان داشت. انسان حتی برای یک لحظه هم نمی‌تواند در غیاب بی‌نیاز از زبان باشد. او در همه حال حتی در آن لحظاتی که حرف نمی‌زند گوش نمی‌دهد نمی‌خواند نمی‌نویسد، باز به نوعی از پدیده زبان بهره می‌جوید، زیرا ارتباط، تفکر، خیال و رؤیای انسان در چارچوب زبان و به وسیله آن شکل می‌گیرد. آدمی واقعیات دنیای پیرامون خود را از دریای بی‌پایان می‌بیند و نوع نگاه انسان به جهان از طریق زبان تعیین می‌گردد. زبان به عنوان تجلی‌گاه ریزش‌های فرهنگی-اجتماعی

۱- کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان، ضیاء صدر، نشر اندیشه نو، ۱۳۷۷، ص ۱۶

۲- همان، ص ۱۷

۳- همان، ص ۱۵

و تاریخی یک ملت، از اهمیت بسیاری برخوردار است. تنوع زبان‌ها و گویش‌ها در یک سرزمین، بیانگر تنوع افکار و جلوه‌گاه اندیشه‌های انسانی است.

زبان مادری نخستین هویت اکتسابی و ریشه‌دارترین جنبه هویت اجتماعی فرد و قوم است. مهم‌ترین عاملی که هویت هر قوم را نمایان می‌کند و یا به مخاطره می‌اندازد زبان است. تضعیف تدریجی زبان و یا رو به زوال رفتن آن تهدیدی جدی برای از بین رفتن هویت قومی به حساب می‌آید. با از بین رفتن زبان و گویش‌های اقوام شیرازه نظام قومیت و ایلی هم، پاشیده می‌شود. در نابآوری تلخ باید این حقیقت را پذیرفت که رویارویی سنت و مدرنیته در عصر کنونی علاوه بر اینکه خسارات معنوی فراوانی به جوامع سنتی وارد نموده است با شتاب هرچه بیشتر فرهنگ و زبان مادری و هویت قومی را هدف قرار داده است. تغییر زبان در سطح ملی، منطقه‌ای، هویت ملی یک کشور را از بین نخواهد برد. چه‌بسا پیش از این اقوامی بوده‌اند که با از بین رفتن زبان، هویت قومی خود را از دست داده‌اند اما هویت ملی آنها از بین نرفته است. و ملت‌هایی وجود دارند که سرزمینشان توسط بیگانگان تسخیر شده اما زبانشان دستخوش حوادث زبان‌نش است؛ زیرا هویت ملی ماورای این مقوله‌های نژاد و تبار و دین و زبان و غیره است. پس با تسخیر و یا زوال زبان یک قوم هویت آنان هم از بین می‌رود اما برای از بین بردن هویت یک کشور و ملت عامل زبان برای از بین بردن هویت آن کشور به تنهایی کافی نیست.

زبان نه تنها وسیله ارتباط بین اعضای یک جامعه است بلکه یکی از مهم‌ترین عوامل شناخت قومی نیز به حساب می‌آید. از همین رو زبان به عنوان عامل عمده در تقسیم‌بندی گروه‌های قومی دخالت دارد. هرچند ممکن است زبان یک قوم بر اثر عوامل طبیعی، جنگ، نسل‌کشی و یا عوامل طبیعی و با گذشت زمان به تدریج تغییر کند و ساختارهای جدیدی از آن منشعب شود که این خود عاملی است برای به وجود آمدن تنوع گویش و ابجه و تغییر زبان که باز به معنی از بین رفتن آن نیست.

مهم‌ترین عاملی که قومیت را با تمام داشته‌هایش ماندگار می‌کند زبان آن قوم است. زبان و گویش به عنوان اصلی‌ترین عنصر فرهنگی چنان جایگاهی دارد که شناخت انسان، اجتماع و

فرهنگ، بدون شناخت و بررسی زبان و گویش غیرممکن می‌نماید... اغلب در کاربرد اصطلاحات، زبان، گویش و لهجه به جای هم به کار می‌روند.

لرها {در گستره جغرافیای خود} به دو زبان لری و لکی صحبت می‌کنند. زبان‌های لری و لکی در زمره زبان‌های هند-ایرانی قرار می‌گیرند. شاخه زبان‌های ایرانی شامل زبان‌های ایرانی شرقی و ایرانی غربی می‌باشند که دسته اول در آسیای میانه و نواحی مجاور آن و دسته دوم در ایران و بعضی مناطق دیگر رایج می‌باشند. زبان‌های غربی به دو گروه ایرانی شمال غربی و ایرانی جنوب غربی تقسیم می‌شوند که زبان لکی و کردی در زمره گروه شمال غربی و زبان لری و فارسی جزو گروه جنوب غربی قرار می‌گیرند.^۱

با گسترش آموزش‌های همگانی و رسانه‌های گروهی و در نتیجه باسواد شدن و آگاه شدن مردمان روستاها و شهرک‌ها و دیگر جوامع غیرشهری زبان مادری تضعیف می‌گردد و زبان رسمی جایگزین گویش‌ها و زبان‌های محلی می‌شود و دیری نمی‌پاید که زبان‌های محلی و گویش‌ها از میان می‌روند. هرچند می‌دانیم که گویش‌ها و زبان‌های محلی منابع بسیار غنی برای پژوهش‌های ادبی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و دستور زبان فارسی است.^۲

از آنجایی که بیشتر زبان‌های ایرانی از نظام نوشتاری و خط بی‌بهره‌اند و آثار و نوشته‌ای از آن‌ها وجود ندارد در شرایط کنونی بیشتر در معرض انقراض قرار گرفته‌اند. بررسی و شناخت زبان‌ها و گویش‌ها در حقیقت بنیادین است از فرهنگ، آداب، رسوم و ویژگی‌های اجتماعی آن جامعه و کلیه کسانی است که به این زبان‌ها و گویش‌ها صحبت می‌کنند. چرا که همبستگی زبان و جامعه به حدی است که برخی از زبان‌سازان، زبان‌ها و گویش‌ها را آینه تمام‌نمای پدیده‌ها و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی افراد می‌دانند که به این زبان‌ها و گویش‌ها تکلم می‌کنند.

در دنیای امروز، تحولات سریع و برخی شرایط جهان، گویش‌ها و زبان‌های محلی را در معرض تهدید قرار داده است. از آنجایی که نابودی زبان‌ها و گویش‌ها خساراتی

۱- فقه اللغة، ارنسکی، ص ۳۳۰ و ۳۳۱.

۲- راهنمای گردآوری و توصیف گویش‌ها، رضا زمردیان، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹.

جبران‌ناپذیر به سرمایه‌های ملی و فرهنگی وارد می‌سازد، ثبت و ضبط فرهنگ، زبان و گویش‌های در حال زوال و توصیف آن‌ها مورد توجه زبان‌شناسان و دانشمندان و فرهنگ‌دوستان قرار گرفته است.

زبان‌هایی چون زبان لری که از قدمت تاریخی بیشتری برخوردارند، به دلیل نداشتن پشتوانه نوشتاری و خط، به حمایت جدی پژوهشگران نیاز بیشتری دارند زیرا در معرض انقراض قرار دارند. زبان لری و برخی از زبان‌های ایرانی، گونه‌های گفتاری این زبان‌ها به سادگی تحت تأثیر عوامل مختلفی در جامعه مثل ناهنجاری‌هایی که از طریق فضاها و مجازی در زبان به وجود آمده است و یا بی‌مهری گویشوران نسبت به ترویج و انتقال آن به فرزندان و یا نوع نگاه وسایل ارتباط جمعی و کم‌توجهی مسئولان فرهنگی، جامعه، زبان‌ها و گویش‌های محلی اقوام را تضعیف می‌نمایند. زبان‌ها به تدریج تغییر کرده تا جایی که عواملی از این دست گویشوران آن گونه زبانی را با زبان مادری خود بیگانه می‌کنند و دیری نمی‌پاید که طبیعت آن زبان به کلی از بین خواهد رفت. سرنگ‌نیاها و گویش‌های در سایه، یا هر زبان و گویشی که در چنین وضعیت نامطلوبی قرار گیرد یا مرگ آخرین گویشور آن فرا خواهد رسید.

مهم نیست که «زبان لری» را زبان بداند و یا گویش و لهجه؛ استعدادهایی که در ماهیت آن نهفته است به گویشورانش حکم می‌کنند. نسبت به حفظ و موجودیت آن بیش از پیش جدیت نمایند؛ تا به مخاطره نیفتد. بر همگان روشن است که زبان لری، ماهیتی دارد که بعد از این همه فراز و فرود و روبرویی با ناملازمات و تعارضات با فرهنگ‌های گوناگون مانند هر زبانی دچار تغییرات و دگرگونی و تحولات طبیعی شده است. مزین پس نیز سیر دگرگونی ادامه خواهد داشت، اما همچنان باقی و پابرجا خواهد ماند. البته ضامن بقای آن را باید دلبستگی گویشوران و پیکره و عناصر سازنده آن دانست که ریشه در باستان دارد. این زبان با تنوع گویش‌ها و لهجه‌هایش پیوستگی خود را در همه مناطق لر نشین همچنان حفظ کرده است. برای لر زبانان اهمیت زیادی ندارد که دیگران با ملاک‌های غیر زبان شناختی آن را زبان ندانند و لهجه به حساب آورند. مهم این است که امروزه گویشورانی دارد که بعد از هزاره‌ها، با گنجینه واژگانی بسیار غنی از روی آوردن به دیگر زبان‌ها بی‌نیازند. گویشورانش هنوز با افتخار با آن سخن می‌گویند، شعر می‌سرایند و زندگی می‌کنند. زبان قوم لر، ریشه در تاریخ

زبان این مرزوبوم دارد. ریشه در زبان پارسی باستان. مهم این است که واژگان و ترکیباتی دارد که خاص قومیت لر زبان است. به عنوان مثال برای واژگان مرکب «دس برآر و دس خوور» در فارسی چه واژه‌ای می‌توان یافت که بار معنایی این واژگان را داشته باشد؟ مهم این است که علاوه بر نقش ارتباطی بیان‌کننده‌ی احساسات و عواطف آن‌هاست و از راه این زبان بهتر می‌توانند همدلی خود را با فرد و اجتماع بیان نمایند. مادری که با تمام وجود و از عمق جان و با عشق به فرزندش مهر می‌ورزد و بار عاطفی مادرانه را به فرزند دلبنده منتقل می‌کند و به گویش شیرین لری می‌گوید: «دردت ده چال تشنیم» و یا «قوت زونیم» و یا «هرنگم» و... با کدام واژگان معادل می‌توان، جایگزین مناسب با بار عاطفی متناسب، این همه احساس و عاطفه را انتقال داد؟ برای دست‌یابی به جنبه‌های گوناگون این زبان منجمله جنبه عاطفی آن مستلزم ارزش‌های فراوان و رسیدن به کنه فرهنگ و زبان این قوم کهن است. هرچند در این روزگار اکثر فرهنگ‌ها و مذهب‌ها مورد بی‌مهری برخی از گویشوران قرار گرفته است؛ و به دلایل موهومی دور از دس برآر کردن قرار گرفته است. تا جایی که تکلم با آن را برای دلبنده خود ممنوع اعلام کرده‌اند و بی‌ارزش جلوه داده‌اند. ماداران به فرزندانشان خود هم تجویز نمی‌شود. در چنین جوامعی باید به حال کودکانی افسردگی که از این نعمت ذاتی و طبیعی که در وجود مادران لر زبان به ودیعه گذاشته شده است، بی‌بهره‌اند. نمی‌دانم به چه خاطر و به چه دلیل و یا به توصیه کدام نظریه‌پردازان یکباره اصرار بر ریز ناخواسته به مبارزه با طبعی‌ترین حق کودکان و در نهایت به جنگ با فرهنگ و میراث و هویت قومی خود برخاسته‌اند.

تحولات صنعتی، اجتماعی و سیاسی با شتاب بیشتر موجب دگرگونی ارزش‌های سنتی و فرهنگی شده است. بدیهی است که امروزه با توجه به این تحولات در جوامع مدرن سخن گفتن به زبان گذشتگان و به کاربردن واژگان اصیل ارزشمند نیست. باید دید که آیا نوع نیاز و برای گویشوران جوان و درس‌خوانده به دلیل تغییر ذائقه علمی و فرهنگی و نوع نیاز و تفکر خود تا حدودی دشوار و شاید غیرممکن می‌نماید و اصرار ورزیدن بر آن بی‌نتیجه و غیرمنطقی می‌نماید؛ لذا بی‌توجهی به مقوله زبان و فرهنگ و سنت گذشتگان یک قوم چندین میلیون نفری نوعی اصالت‌گریزی و ستم به میراث گذشتگان به حساب می‌آید. از طرفی نداشتن خط نوشتاری و منع کودکان و جوانان از تکلم کردن به گویش قومی و

مرگ طبیعی گویشوران سالمند شکاف غیر قابل ترمیم و پدیده‌ای تلخ به نام مرگ زبان به دنبال خواهد داشت. نگارنده بر خود فرض دانسته است تا در حد وسع و بضاعت اندک خود، تلاش نماید تا این پدیده تلخ و گزنده یعنی مرگ و زوال یکی از گویش‌های اصیل لری را به نام گویش بالاگریوه که دارای گویشوران بسیاری در سه استان لرستان، ایلام و خوزستان می‌باشد به تماشا ننشیند و تمهیدی بیندیشد تا نسل‌های جوان امروز و بعد از این، با فرهنگ و زبان قومی خود بیگانه نمانند. در این راستا اقدام به تدوین این کتاب یعنی «دستور زبان لری گونه بالاگریوه» نموده است. این دست‌کتاب‌ها می‌توانند تا اندازه‌ای از زوال گویش و فرهنگ که دست‌آورد تکنولوژی و بر اثر تقابل سنت و مدرنیته حاصل شده است به تعاقب اندازد. همچنین فرصتی ایجاد می‌نماید تا اندیشمندان و دلسوزان حوزه فرهنگ قوم، راهکارهای اساسی‌تری را به منظور حفظ زبان و فرهنگ و هویت قومی خود پیدا نموده و به کار گیرند. نگارنده ادعا دارد آنچه را که تحت نام دستور زبان گونه بالاگریوه نگاشته است می‌توان به دست‌آورد گویش‌های لری تعمیم داد زیرا مجموعه این گویش‌ها که شاکله زبان لری را به وجود آورد اند از نظر واژگان و دستور دارای مشترکات بسیاری می‌باشند، وجوه اختلاف اندک این گویش‌ها تنها در برخی از قواعد دستوری و آواهاست که این تمایزات جزئی هرگز همبستگی زبان را تهدید نمی‌نماید. این کتاب به دلیل نوب بودن و میدانی عمل کردن نویسنده، یقیناً خالی از نقص نمی‌باشد و با همت دلسوزان فرهنگی قوم لر نقد و تنقیح خواهد شد این نوشته فتح‌البابی است برای علاقه‌مندان این عرصه و شاید راهگشایی باشد برای پژوهش‌های بعدی در این حوزه زبانی. رگامی باشد هر چند اندک در راستای گسترش فرهنگ ملی و قومی و حفظ میراث فرهنگی این سرزمین و بوم.

چنانچه، پژوهش‌های جدی و نوینی در سطوح دستور زبان، واژگان و آواشناسی این زبان‌های کهن صورت نگیرد، دیری نمی‌پاید که به‌طور کلی [هویت قومی که لازمه آن حفظ زبان است] از بین خواهد رفت؛ و به فراموشی محض سپرده خواهد شد. در دنیای امروز، تحولات سریع و برخی شرایط جهان، گویش‌ها و زبان‌های محلی را در معرض تهدید قرار داده است. از آنجا که نابودی زبان‌ها و گویش‌ها خساراتی جبران‌ناپذیر به سرمایه‌های ملی و فرهنگی وارد می‌سازد ثبت و ضبط ویژگی‌های زبان‌ها و گویش‌های در حال زوال و توصیف آن‌ها

مورد توجه زبان‌شناسان و دانشمندان و فرهنگ دوستان بوده است.^۱

بیاییم ضمن پاس داشت زبان فارسی که اولویت اول همه ایرانیان و فارسی‌زبانان است از مرگ زبان قومی خود پیشگیری کنیم تا برای آیندگانمان، مفاهیمی چون هویت و موجودیت قومی و ملی مصداق داشته باشد.

ضرورت گردآوری و انجام پژوهش‌های جامع، درباره زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، مهم‌ترین عامل ماندگاری فرهنگ اقوام با ویژگی‌های خاص آنهاست. از فواید آن می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱- شناخت واژگان در متون برجایمانده از آثار مکتوب و دیگر زبان‌های ایرانی که به دست ما نرسیده‌اند.

۲- آگاهی از چگونگی دگرگونی‌های آوایی، صرفی، نحوی، معنایی و واژگانی در گذر زمان در مناطق مختلف کشور.

۳- طبقه‌بندی دقیق‌تر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی.

۴- کمک به تهیه دستور اطللس گویش‌های ایرانی.

۵- فراهم آوردن مابین ایرانی‌تبار برای واژه‌سازی و واژه‌گزینی در فرهنگستان‌ها و تقویت زبان ملی فارسی.

۶- ثبت گویش‌های روبه‌زوال برای استفاده گویشوران و ایجاد منابع برای پژوهشگران آینده.

۷- ایجاد همبستگی قومی در راستای ترقی و پیشرفت برنامه‌های کلان ملی و محلی.

۸- پیشگیری از نفوذ فرهنگ‌های مهاجم و تقویت و توسعه و بهره‌وری از فرهنگ‌های بومی در راستای تولید فکر و اندیشه و گامی در جهت حفظ و تقویت میراث فرهنگی ایران و ایرانی.

گروه مؤلفان

۱- درآمدی بر گویش‌شناسی، علی اکبر شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۵۶.